

عوامل مؤثر بر توسعه روستایی*

دکتر عزت الله سام آرام**

«چکیده»

این تحقیق در سال ۱۳۷۱ در منطقه لرستان انجام شده است. تعریف «توسعه» در این تحقیق عبارت است از: تغییر در ساختارهای جامعه روستایی از اجتماع سنتی به سوی جامعه مدرن در ابعاد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی. تأکید این تحقیق در امر توسعه روستاها بر تغییرات فرهنگی است و متغیرهایی که در آن بررسی شده‌اند عبارتند از: جوانان بسیجی روستا، سواد، برنامه‌های جهاد سازندگی، خدمات کشاورزی، تعاون روستایی، اصلاحات ارضی و صدا و سیما.

روش تحقیق این پژوهش، روش مقایسه‌ای یا تطبیقی بوده است و دو منطقه روستایی توسعه یافته و توسعه نیافته با یکدیگر مقایسه شده‌اند. نتایج

*: این تحقیق از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ با استفاده از بودجه و امکانات دانشگاه علامه طباطبایی انجام شده است.

** : عضو هیئت علمی دانشکده علامه طباطبایی

تحقیق نشان می‌دهد که سه عامل مهم در توسعه روستایی تأثیر داشته است: ۱- میزان سواد و سواد آموزی، ۲- میزان حضور صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و ۳- میزان اجرای اصلاحات ارضی. ترکیب سه عامل فوق نشان می‌دهد که امنیت اقتصادی و اجتماعی در روستاها می‌تواند موجب توسعه روستاها، و ناامنی در روستاها، مانع توسعه روستاها شود.

مقدمه

توسعه روستایی به مفهوم تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا، از جمله مباحثی است که مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی و برنامه ریزان مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی قرار گرفته است.

در این رابطه سؤالات بسیاری مطرح است، از ابتدایی ترین سؤالات که به دنبال تعریف واحدی در موضوع توسعه روستایی است تا پیچیده ترین آنها که مراحل توسعه روستایی و ویژگیهای آن را مورد پرسش قرار می‌دهد.

برای جواب به هر کدام از این سؤالات یا مجموعه‌ای از آنها اگر بخواهیم با روش علمی عمل کنیم، لازم است که ابتدا نظریات دیگران را مطالعه کنیم و خود نیز موضوع را در عمل و با روشهای علمی مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم و آنگاه می‌توانیم بخشی از سؤالات را جواب بگوییم، هر چند جوابها محدود به زمان و مکان ویژه‌ای باشد. تحقیق حاضر در جست و جوی جواب به این سؤال است که عوامل مؤثر در توسعه روستایی کدامند؟ در این رابطه، ابتداء نظریات و مطالعات دیگران که در محدوده موضوع این تحقیق، انجام شده است مورد بررسی قرار گرفت و سپس به تدوین طرح مسئله و روش شناسی پرداخته شد. از جمله اینکه، تجربیات محقق و نتیجه مطالعات نظری مربوط به موضوع، برای محقق فرضیه‌هایی را مطرح کرد که با به کارگیری روش شناسی علمی در دو منطقه روستایی در استان لرستان مود آزمون قرار گرفت که بخشی از گزارش آن در این مقاله آمده است.

دیدگاه حاکم بر این تحقیق، دیدگاه جامعه شناختی بوده و ابعاد اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی، در چارچوب جامعه شناسی مطرح شده است و البته با توجه به اهمیت نقش فرهنگ در توسعه روستایی به مسایل فرهنگی روستا در جامعه مورد مطالعه به صورت ویژه‌ای توجه

شده است. در پایان مقاله نیز پیشنهاداتی ارائه شده است که امید است مورد استفاده پژوهشگران و مجریان توسعه روستایی قرار گیرد.

الف - کلیات طرح

توسعه روستایی را می‌توان پدیده‌ای دانست که تغییرات فنی و فرهنگی روستاها را به عنوان یک پویش دایمی در جهت «حاصل شدن حداکثر استفاده فلاحتی» (گلسرخی، ۱۳۵۲: ۳)، افزایش درآمد و تامین امکانات رفاهی روستاییان مورد توجه دارد.

این پدیده که در گذشته‌های دور از طریق بزرگ مالکان و با اقدامات دسته جمعی روستاییان در جهت «احداث، احیاء و تعمیر قنوات، دایر نگهداشتن انهار و اصلاح خانه‌های رعیتی با رعایت اصول بهداشتی، تأسیس راههای فرعی» (گلسرخی، ۱۳۵۲: ۵) و مشابه آن در برخی روستاها انجام می‌شد بعد از جنگ دوم جهانی با تعریفی جدید در جهت افزایش نقش دولتها و سازمانهای بین‌المللی در انجام برنامه‌های عمرانی در کشورهای جهان سوم، ادامه یافت.

تاریخچه این موضوع در کشور ما به سالهای بعد از جنگ دوم جهانی برمی‌گردد، بویژه بعد از ورود برنامه‌های «اصل چهار» به ایران که در برخی روستاها ضمن اجرای برنامه‌های مربوط به ریشه کنی مالاریا، در مواردی هم در برخی روستاها پروژه‌های آب لوله‌کشی یا حمام بهداشتی را اجرا می‌کردند که به دلیل عدم مشارکت و حمایت روستاییان از اجرای آن برنامه‌ها، آن اقدامات معمولاً از موفقیت‌چندانی برخوردار نشد و پس از آن عمران روستایی، مجدداً دستخوش نظرات و اقدامات بزرگ مالکان هر منطقه واقع شد (گلسرخی، ۱۳۵۲: ۵). از سال ۱۳۴۱ با شروع اصلاحات ارضی که تا حدودی موجب کاهش نفوذ بزرگ مالکان در روستاها شد و در حقیقت مدیریت روستاها را از بین برد، روستاهای کشور بدون برنامه مشخصی رها شدند.

از آن به بعد آنچه که با عنوان عمران روستایی مطرح می‌شد معمولاً پروژه‌های پراکنده و بدون مطالعه‌ای بود که در برخی از روستاهای در دسترس، کنار جاده یا احتمالاً زادگاه برخی از اشخاص خاص انجام می‌شد که در بسیاری از موارد وقتی یک پروژه عمرانی به عنوان یک

پدیده جدید وارد روستا می‌شد به علت اینکه فرهنگ استفاده از آن در روستا وجود نداشت و یا آموزشی داده نمی‌شد، سالها بی استفاده می‌ماند و یا از بین می‌رفت. بنابراین می‌توان گفت که در فرایند استفاده از این گونه پروژه‌های عمرانی در روستاها، تأخیر فرهنگی وجود داشت و این مسئله‌ای است که هنوز هم کم و بیش در فرایند توسعه روستایی کشور ما وجود دارد. اجرای برنامه‌های عمرانی در روستاها بدون مطالعه علمی تا این اواخر هم ادامه داشت و امروزه شاهد نتایج معکوس برنامه‌های بی مطالعه توسعه روستایی هستیم. نمونه آن خالی از سکنه شدن سالیانه حدود یکهزار آبادی در مناطق روستایی است که روند آن از سال ۱۳۴۵ تا به حال ادامه داشته است. مشاهده روستاهای خالی از سکنه نشان می‌دهد که در برخی از آنها چندین پروژه رفاهی انجام شده است و احتمالاً به این دلیل که انجام آنها بدون مطالعه بوده، نتیجه مناسبی نداشته است.

در اکثر استانهای کشور روستاهای دارای آب، برق، مدرسه، مسجد و بهداشتی و... بسیارند که روزگاری، چند صدخانوار سکنه داشته‌اند ولی امروزه در کنار همه این امکانات، تنها معدودی افراد سالخورده وجود دارند که آنها هم احتمالاً راهی به جایی نداشته‌اند و یا توان دل کندن از خاک اجدادی را ندارند و بعد از آنها هم، این روستاها از سکنه خالی خواهند شد.

جدول زیر آمار آبادیهای خالی از سکنه کشور را از سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نشان می‌دهد.

(مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵: ۵۹)

سال بررسی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	به طور متوسط سالیانه	به طور متوسط روزانه
تعداد آبادی خالی از سکنه	۱۵۹۲۵	۲۶۹۵۲	۳۸۶۱۳	۱۱۶۶۱ آبادی	۳ آبادی

جدول فوق نشان می‌دهد که از سال ۱۳۴۵ به این سو، به طور متوسط، روزانه سه آبادی از سکنه خالی می‌شود و احتمالاً این روند در سالهای اخیر هم ادامه دارد که گاه موجب خالی شدن کامل روستاها از سکنه می‌شود.

در رابطه با عوامل مؤثر در خالی از سکنه شدن روستاها می‌توان سه فرضیه کلی را مطرح

کرد:

فرضیه اول: خالی از سکنه شدن روستا، خودبخشی از توسعه است که در سطح خرد در مردم ساکن در روستا به وجود آمده است ولی در سطح کلان در خود روستا به وجود نیامده یا زمینه‌های آن فراهم نشده است. برای مثال می‌توان گفت که جوانان ده در اثر با سواد شدن یا ارتباط با شهر، تا حدی توسعه یافته می‌شوند ولی نوع معیشت و ساخت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا، توسعه نیافته باقی می‌ماند و لذا انسان توسعه یافته به قول مک کله لند نمی‌تواند «کنجی بنشیند و کاری نکند» (مک کله لند، ۱۳۵۰: ۵۵-۴۵)، نمی‌تواند در زمستانها مثل پدارانش، آفتاب نشینی کند. نوعی روش خاص فکر کردن در جهت «انجام کاری نو و متفاوت از قبل» برای او به وجود آمده است. «او برای کسب احساس احترام و اعتماد به نفس خویش»، روستا را ترک می‌کند تا در شهر، خودش را بیابد و لذا روستا به سرعت خالی از جوانان و سپس خالی از سکنه می‌شود.

فرضیه دوم: افزایش مهاجرت‌های معمولی از روستا به خارج از روستا در برخی موارد نیروهای اصلی و محوری ده را با خود می‌برد و از آن پس افراد باقیمانده در این ده یا در این منطقه روستایی، احساس ناامنی می‌کنند و جامعه روستا از حالت موزون (سنفونیک) خارج شده و به حالت ناموزون (پنیک) در می‌آید. در این شرایط بسیاری از رفتارهای فرهنگی و هنجارها که موجب استحکام روابط و ایجاد امنیت در روستا بودند، امکان ظهور مجدد پیدا نمی‌کنند و همین شرایط موجب ناامنی می‌شود و برای انسان، زندگی در شرایط ناامن میسر نیست و لذا به دنبال کسب امنیت، ده را رها و کوچ می‌کند و به این ترتیب روستا خالی از سکنه می‌شود.

فرضیه سوم را با این نظریه مطرح می‌کنیم که به قول لوبن «انسان وقتی در گروه قرار می‌گیرد، احساس شکست ناپذیری می‌کند، از دیگران تقلید می‌کند، خصوصیات دیگر اعضای گروه به او هم سرایت می‌کند و شرایط گروه موجب تلقین پذیری او می‌شود.» جوانان یک روستا در هر نسلی حداقل یک گروه را تشکیل می‌دهند. در این گروهها صفت «تقلید و سرایت» به شدت وجود دارد و هر فکر جدید یا رفتاری نو که وارد روستا شود، می‌تواند سریعاً بین جوانان روستا شیوع پیدا کند و به این دلیل است که فکر «ترک روستا و روی آوردن به

شهر» به مجرد اینکه از طریق تجربه یکی از جوانان مطرح شود اولین فکری است که برای جوانان روستا، هدف می‌شود. البته این نیز از خصوصیات حرکت به سوی توسعه است. حال اگر این جوانان که به سوی توسعه در حرکت هستند، بتوانند در روستا بمانند، به عنوان نیروهای پیشرو و حامی توسعه، می‌توانند به توسعه روستای خودشان کمک کنند ولی عدم حضور آنها موجب عدم توسعه می‌شود و از طرفی با ترک روستا، نیروی فعال و مورد نیاز توسعه نیز از روستا گرفته می‌شود و لذا این روستا به سوی «میرایی» پیش می‌رود و در مقابل جوامع دیگری که این نیروها را به خود جذب می‌کند مثل شهرهای بزرگ به صورت جامعه «زایا» تبدیل می‌شوند.

بدیهی است مطالعه روستاهای خالی از سکنه خود می‌تواند موضوع یک یا چند تحقیق علمی دیگر باشد ولی هدفهایی که در این تحقیق دنبال می‌شود عبارت‌اند از جست‌وجو برای یافتن جواب به این سؤالات کلی:

- الف - ابعاد فرهنگی و اجتماعی توسعه روستایی در جامعه مورد مطالعه کدامند؟
 ب - در مقایسه دو نوع روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته چه عواملی در توسعه روستایی در جامعه مورد مطالعه، تأثیر بیشتری داشته است؟
 در این تحقیق ابتدا تعریفی از توسعه روستایی را ارائه می‌کنیم که تأکید بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد، سپس به شرح این دو زمینه می‌پردازیم.

تعریف توسعه روستایی: از نظر این تحقیق، توسعه روستایی عبارت است از تغییر در ساختارهای جامعه روستایی از اجتماع سنتی به سوی جامعه مدرن (جدید) در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

شاخصهای اصلی مورد نظر در این تعریف عبارتند از:

- ۱ - تولید و اشتغال در روستا
- ۲ - خصوصیات جمعیت‌شناسی
- ۳ - میزان سواد و بهداشت در روستا
- ۴ - چگونگی استفاده از امکانات رفاهی و مسکن در روستا

۵ - خصوصیات فرهنگی روستا.

به نظر محقق، مهمترین عامل برای توسعه روستایی، وجود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است که بدون آن، چنانچه امکانات توسعه اقتصادی هم به روستا داده شود، نمی‌توان به تداوم و یا گسترش آن و توسعه روستا اطمینان داشت.

۱- طرح مسئله

در اکثر روستاهای کشور ما، در مقابل فرهنگ ایستای سنتی که مربوط به نسل گذشته روستایی است، نوعی فرهنگ پویا در نسل جدید روستایی در حال پذیرفته شدن است که اگر در درون روستا فرصت بروز بیابد و حمایت شود، می‌تواند با تدوین هنجارهای خود، زمینه‌های فرهنگی مناسب برای توسعه روستایی را فراهم کند و موجب توسعه روستا شود و اگر در درون روستا فرصت بروز نیابد، به دنبال مکان مناسب و همراه نسل جوان از روستا خارج می‌شود و روستا می‌ماند با تعدادی افراد سالخورده که به مرور متروکه می‌شود و با مرگ سالخوردگان، روستا به صورت روستای خالی از سکنه در می‌آید.

برای ارایه عناصر تشکیل دهنده دو فرهنگ ایستا و پویا، نظریه‌های ارایه شده در این زمینه را مطرح می‌کنیم:

۱ - ۱: نظریه «خرده فرهنگ دهقانی» (ازکیا، ۱۳۶۴: ۵۶) به عنوان یکی از موانع سه‌گانه توسعه

روستایی

عناصر تشکیل دهنده این خرده فرهنگ عبارت است از:

۱ - عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی

۲ - فقدان نوآوری

۳ - تقدیرگرایی

۴ - پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات

۵ - عدم توانایی چشمپوشی از منافع آنی به خاطر منافع آنی

۶ - کم اهمیت دادن به عامل زمان

۷- خانواده گرایی

۸- وابستگی به قدرت دولت

۹- محل گرایی

۱۰- فقدان همدلی

۲- ۱: ویژگیهای عمومی جامعه سنتی و جامعه صنعتی

این ویژگیها عبارتند از:

۱- نگرش به انسان در جامعه سنتی به صورت طبقاتی و بر اساس زادگاه خانوادگی است اما در جامعه صنعتی به صورت برابری رده بندی شده و بر اساس میزان مشارکت در تولید است.

۲- نگرش علمی در جامعه سنتی محدود است و علوم در پرده اسرار نهفته اند اما در جامعه صنعتی نگرش علمی یکی از محورهای باور فرهنگی است.

۳- نگرش نسبت به آزادی در جامعه سنتی موجود نیست ولی در جامعه صنعتی در حال گسترش است.

۴- نظم پذیری جمعی در جامعه سنتی محدود است ولی در جامعه صنعتی بسیار گسترده است.

۵- رعایت حقوق دیگران در جامعه سنتی محدود است و برخی قشرها فاقد حقوق هستند در حالی که در جامعه صنعتی گسترده و مورد پذیرش عامه مردم است (عظیمی، ۱۳۷۰).

آنچه از اشتراک دو دیدگاه مطرح شده، می تواند مورد توجه قرار گیرد این است که مهمترین زمینه ها برای توسعه، بخصوص در روستاها، زمینه های فرهنگی است که اگر در بین مردم یک منطقه روستایی به وجود آید، می تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشته باشد. این زمینه های فرهنگی برای توسعه، عمدتاً می تواند در بین جوانان روستایی نیز مطرح شود و عاملی برای توسعه روستاها باشد.

دلیل انتخاب جوانان روستایی به عنوان هدف محقق برای پژوهش این است که جوانان روستایی چه بخواهند در روستاها باقی بمانند و چه به شهرها مهاجرت کنند، نیازمند تحوّل

فرهنگی هستند تا باورهای سنتی آنها در «نگرش به انسان، نگرش علمی، آزادی، نظم پذیری و رعایت حقوق دیگران» تا حدّ ممکن به صورت باورهای تحوّل یافته‌ای تغییر یابد. یعنی در او، «میل به کارکردن و خوب کار کردن و شوق درونی به موفقیت به وجود آید» و آنگاه اگر در ده بماند موجب توسعه می‌شود و اگر هم به شهر بیاید احتمال سقوط او در انحرافات اجتماعی کمتر می‌شود.

۲- انگیزه انتخاب موضوع تحقیق

در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، مشاهدات محقق از چند روستا در استانهای مختلف کشور، نشان داد در روستاهایی که تعداد جوانان بسیجی که از جبهه بازگشته بودند بیشتر بود، تلاش عمومی روستاییان در جهت توسعه هم بیشتر بود و گاه یک جوان بسیجی با ارایه نظرات جدید در جهت حلّ مشکلات اقتصادی یا فنی روستا، موجب یک حرکت وسیع شده بود که ذکر جزئیات آنها در این گزارش نمی‌گنجد و لذا این فرضیه برای ما مطرح شد که این جوان با خروج از روستا و حضور در جبهه و مشارکت در فعالیتهای مختلف مربوط به جنگ، دچار تحوّل فرهنگی شده و حالا که به ده برگشته، باورهای جدیدی را با خود آورده است. این باورها، کارهایی را که به نظر روستاییان غیر ممکن می‌نمود، ممکن می‌کند.

ابتدا این سؤال پیش آمده که آیا حضور جوانان در دوره سربازی هم، چنین تأثیری دارد؟ اگر بلی، قاعدتاً باید در چند دهه قبل هم این اتفاق در روستاهای می‌افتاد ولی چنین نشده است. با بررسی شرایط خدمت در بسیج بویژه در دوران جنگ تحمیلی برای ما روشن شد که جوان بسیجی در جنگ تنها مثل سربازهای قدیمی به رژه رفتن و بازو بسته کردن تفنگ اکتفا نکرده، بلکه در جبهه جنگ، یک بسیجی به انواع کارها پرداخته است؛ نظیر کارهای فنی، حمل و نقل، تعمیر کاری، احتمالاً بتایی، نجاری و غیره. در کلاسهای مختلف فرهنگی و مذهبی شرکت کرده و با سواد شده است و بخصوص در جریان حمله به مواضع دشمن، بسیاری از کارهای غیر ممکن را ممکن کرده و به مرور، شوق کار کردن و ایجاد تغییر و حرکت در او به وجود آمده است. جهان بینی او وسعت یافته، مهارتهای بسیاری کسب کرده و در مجموع، نوعی پختگی به دست آورده است که اگر در روستای خود باقی مانده بود هرگز به چنین

درجه‌ای از پختگی نمی‌رسید.

بنابر این فرضیه، جوان بسیجی از نظر فرهنگی چنان متحول شده است که دیگر نمی‌تواند سکون و سکوت و ایستایی را مشاهده کند و بی‌تفاوت باشد، چون به قول مک کله لند و یژگی «نیاز به انجام کار بزرگ» در او به وجود آمده است (مک کله لند، ۱۳۵۰: ۵۵ - ۴۵). لذا وقتی به روستا برمی‌گردد عامل ایجاد حرکت در روستای خودش می‌شود و نوعی پویایی را در ده به وجود می‌آورد (اگر این فرضیه ثابت شود می‌تواند یکی از اثرات مثبت جنگ تحمیلی را بر جوانان کشور مشخص کند).

بدیهی است اگر جوان بسیجی به خاطر مقاومت فرهنگ ایستا در روستا فرصت اقدام نیابد، ممکن است برای رفع نیاز خودش به «انجام کار بزرگ» به شهر رو آورد و از روستا مهاجرت کند.

البته هدف محقق این نیست که در صورت اثبات این فرضیه، مطرح کند که برای پرورش جوانان روستایی، همواره آنها را در جنگ شرکت دهیم بلکه اشاره‌ای است به برنامه ریزان که با مطالعه مکانیزمهایی که در جریان جنگ، موجب تحول جوانان شده و زمینه‌های فرهنگی توسعه را در جوانان بسیجی به وجود آورده است با بازسازی این مکانیزمها در برنامه‌های فرهنگی، موجب تداوم این تحولات بشوند.

نتایج این مشاهده‌ها برای محقق، به عنوان هسته اولیه یک تحقیق مقایسه‌ای مطرح شد با این فرضیه که «بین میزان حضور جوانان بسیجی در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد». گرچه مشاهدات محقق در بسیاری از روستاها مؤید این فرضیه بود ولی بدیهی است برای قبول یا رد فرضیه، انجام تحقیق علمی از ضروریات بود. به همین دلیل طرح مقدماتی تحقیق با عنوان «تأثیر حضور جوانان بسیجی روستا در توسعه روستایی» تهیه و برای تصویب به شورای پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی پیشنهاد شد. این شورا، ضمن پذیرش طرح اولیه، پیشنهاد کرد که عوامل دیگری نیز در این رابطه مطالعه شود با این فرض که شاید عامل مؤثر در توسعه روستایی، حضور نیروهای نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش و یا سایر نهادهای فعال در روستاها مثل جهاد سازندگی و غیره است. با این پیشنهادها طرح مطالعه، تکمیل شد و به تصویب شورای پژوهشی دانشگاه رسید.

۳-هدف تحقیق

هدف این تحقیق، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روستایی است. عوامل مؤثر بر توسعه روستایی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار می‌گیرد عبارتند از:

- ۱- ۳- میزان حضور جوانان بسیجی روستایی ساکن در روستا
- ۲- ۳- میزان حضور نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در روستا
- ۳- ۳- میزان حضور عوامل جهاد سازندگی در روستا
- ۴- ۳- میزان حضور کارشناسان خدمات کشاورزی در روستا
- ۵- ۳- میزان حضور سازمان تعاون روستایی در روستا
- ۶- ۳- میزان اجرای اصلاحات ارضی در روستا
- ۷- ۳- میزان استفاده از برنامه‌های مناسب صدا و سیما در روستا.

۴-فایده تحقیق

نتایج حاصل از این تحقیق، فوایدی در بردارد از جمله:

- ۱- ۴- مشارکتی است در جهت افزایش دستاوردهای علمی کشور در زمینه توسعه روستایی.
- ۲- ۴- برای ارزیابی گوشه‌ای از نتایج مثبت حضور جوانان روستایی در فعالیتهای بسیجی بویژه ۸ سال دفاع مقدس، مفید است.
- ۳- ۴- کمکی است به برنامه‌ریزان توسعه روستایی کشور.
- ۴- ۴- کمکی است به روستاییان کشور در شناخت بیشتر راههای توسعه روستایی.
- ۵- ۴- برای استفاده در کلاسهای درس جامعه شناسی روستایی و توسعه روستایی مفید است.

۵-سؤالاتی که مشخصاً برای این تحقیق مطرح است عبارتند از:

- ۱- ۵- آیا بین میزان حضور جوانان بسیجی در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای

وجود دارد؟

۲ - ۵ - آیا بین میزان حضور نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۳ - ۵ - آیا بین میزان حضور عوامل جهاد سازندگی در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۴ - ۵ - آیا بین میزان حضور سازمان تعاون روستایی در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۵ - ۵ - آیا بین میزان حضور کارشناسان کشاورزی (ارایه خدمات کشاورزی) در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۶ - ۵ - آیا بین میزان اجرای اصلاحات ارضی در روستاها و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۷ - ۵ - آیا بین میزان استفاده روستاییان از برنامه‌های مناسب صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و توسعه روستایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

۶- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱ - ۶ - بین میزان حضور جوانان بسیجی در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

۲ - ۶ - بین میزان حضور نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

۳ - ۶ - بین میزان حضور عوامل جهاد سازندگی در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

۴ - ۶ - بین میزان حضور سازمان تعاون روستایی در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

۵ - ۶ - بین میزان حضور کارشناسان وزارت کشاورزی در روستا و توسعه روستا، رابطه

مثبت وجود دارد.

۶ - ۶ - بین میزان اجرای اصلاحات ارضی در روستاها و توسعه روستایی رابطه مثبت وجود دارد.

۷ - ۶ - بین میزان استفاده از برنامه‌های مناسب صدا و سیما توسط روستاییان در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

۷- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش «مقایسه‌ای» یا «تطبیقی» است. با توجه به اینکه متغیرهای مستقل در گذشته، اثر خود را بر روستاهای مورد مطالعه گذاشته‌اند و محقق هیچ گونه دخالتی در تغییر آنها ندارد و نمی‌تواند در جریان امور دخل و تصرف کند، لذا «واقعتهای موجود را در شرایط طبیعی به صورت تطبیقی، مورد مطالعه قرار می‌دهیم» (عبدلهی، ۱۳۷۱: ۱۷۳). یعنی وجوه تشابه و تباین در دو جامعه روستایی توسعه یافته و توسعه نیافته را در نظر می‌گیریم و اثرات این وجوه تشابه یا تباین را بر روی جریان توسعه روستایی که در یک منطقه روستایی اتفاق افتاده و در منطقه روستایی دیگر اتفاق نیفتاده است مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌دهیم.

امیل دورکیم بر این روش، تأکید بسیار داشت در حدی که معتقد بود جامعه‌شناسی ضرورتاً خصلتی تطبیقی دارد. یعنی اگر تطبیق نباشد، پس جامعه‌شناسی نیست. او برای روش مطالعه تطبیقی، دو راه پیشنهاد کرد:

۱ - مقایسه یک امر واحد در بین دو یا چند جامعه متفاوت.

۲ - مقایسه دو یا چند امر متفاوت در یک جامعه مشخص (عبدلهی، ۱۳۷۱: ۱۷۴).

در این تحقیق از روش اول دورکیم یعنی «مقایسه یک امر واحد در بین دو جامعه متفاوت» استفاده شده است.

۸- نحوه انتخاب جامعه مورد مطالعه

با توجه به فرضیات تحقیق و برای یافتن یک نمونه مناسب در جهت انجام تحقیق مورد

نظر، مطالعات اولیه در چند استان انجام شد و نهایتاً، استان لرستان به دلیل داشتن مناطق روستایی توسعه یافته و مناطق روستایی توسعه نیافته با ویژگیهای جغرافیایی مشابه، انتخاب شد و قرار شد که مرحله عملی تحقیق در این استان انجام شود.

به دنبال انتخاب استان لرستان و طی چند جلسه طولانی مدت با کارشناسان استانداری، جهاد سازندگی، امور عشایری، فرمانداران، بخشداران و دهداران استان لرستان و بازدید از مناطق روستایی مختلف استان و نهایتاً با استفاده از شاخصهای توسعه روستایی مطالعه شده در استانداری لرستان و تجارب کارشناسان توسعه روستایی استان و مشاهدات گروه تحقیق، دو منطقه روستایی توسعه یافته و توسعه نیافته با ویژگیهای طبیعی و جغرافیایی نسبتاً مشابه به عنوان نمونه مورد نظر انتخاب شدند و قرار شد تحقیق مورد نظر در این دو منطقه انجام شود. در مورد نمونه گیری در روستاهای دو منطقه مورد نظر قرار شد کلیه روستاهایی که بیش از ده خانوار ساکن در روستا دارند مورد بررسی قرار گیرند.

در مورد نمونه گیری بین خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه، با توجه به اینکه خانوارهای ساکن در هر یک از روستاهای مورد مطالعه از نظر اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و بویژه از نظر توسعه یافتگی، تا حد زیادی همگن بودند، لذا جهت انتخاب خانوارهای نمونه در هر کدام از روستاهای مورد مطالعه، به طور متوسط بیست درصد خانوارها به طریقه نمونه گیری سیستماتیک انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت.

رساله جامع علوم انسانی

۹- جامعه آماری مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه این تحقیق، روستاهای دارای بیشتر از ۱۰ خانوار واقع شده در دو منطقه روستایی در استان لرستان است.

منطقه اول: روستاهای واقع شده در دهستان «خاوه جنوبی» از توابع شهرستان «نورآباد» لرستان که دارای بیش از ۱۰ خانوار باشند به عنوان منطقه روستایی توسعه نیافته (۲۳ روستا).

منطقه دوم: روستاهای واقع شده در دهستان «جابلق شرقی» از توابع شهرستان «ازنای» لرستان که دارای بیش از ۱۰ خانوار باشند به عنوان منطقه روستایی توسعه یافته (۲۴ روستا). در

گزارش این تحقیق هر جا صحبت از جامعه اول است منظور جامعه روستایی توسعه نیافته یعنی خاوه جنوبی در منطقه شهرستان نورآباد لرستان و هر جا صحبت از جامعه دوم است منظور جامعه روستایی توسعه یافته یعنی جابلق شرقی در منطقه شهرستان ازنا لرستان است.

ب: خلاصه و نتیجه گیری

۱- خلاصه پژوهش

از هفت فرضیه این تحقیق، سه فرضیه رد نشد، یک فرضیه نیاز به طراحی جدید داشت و سه فرضیه نیز رد شد.

فرضیه‌هایی که رد نشدند عبارتند از:

۱ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان حضور نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در روستا و توسعه روستا.

۲ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان اجرای برنامه اصلاحات ارضی در روستا و توسعه روستا.

۳ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان استفاده از برنامه‌های مناسب صدا و سیما جمهوری اسلامی توسط روستاییان و توسعه روستا.

فرضیه‌هایی که رد شدند عبارتند از:

۱ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان حضور عوامل جهاد سازندگی و توسعه روستا.

۲ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان حضور سازمان تعاون روستایی در روستا و توسعه روستا.

۳ - فرضیه رابطه مثبت بین میزان حضور کارشناسان وزارت کشاورزی در روستا و توسعه روستا.

لازم به تذکر است که مفهوم رد شدن سه فرضیه فوق، این نیست که جهاد سازندگی یا سازمان تعاون روستایی و یا کارشناسان کشاورزی در برنامه‌های توسعه روستاها مؤثر نبوده‌اند بلکه مفهوم آن این است که در این تحقیق میزان حضور این نهادها در روستاهای توسعه نیافته و روستاهای توسعه یافته، تفاوت معنی داری را نشان نداده است. مثلاً جهاد سازندگی در هر دو نوع روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته، به یک میزان حضور داشته است لذا هنگام آزمون فرضیه، رابطه مثبت بین میزان حضور جهاد سازندگی و توسعه روستا در دو جامعه روستایی

مورد مطالعه این تحقیق، تفاوت معنی داری مشاهده نشده است.

در مورد فرضیه رابطه بین میزان حضور جوانان بسیجی در روستا و توسعه روستا، به این صورت که «به نسبت جمعیت هر روستا، روستاهای توسعه یافته نسبت به روستاهای توسعه نیافته، تعداد بیشتری جوان بسیجی به جبهه اعزام کرده است» این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان پذیرفته شده است. ولی به علت اینکه بسیاری از جوانان بسیجی در روستاهای توسعه یافته مورد مطالعه این تحقیق، بعد از بازگشت از جبهه، به شهرها مهاجرت کرده‌اند و کمتر در روستاها حضور دارند لذا این فرضیه که «جوانان بسیجی پس از بازگشت از جبهه به روستای خودشان، مستقیماً موجب توسعه آن روستا شده‌اند» رد شده است و به عکس، رابطه بین حضور بیشتر جوانان بسیجی در روستا پس از بازگشت از جبهه به روستا در روستاهای توسعه نیافته، رد نشده است بلکه پذیرفته شده است. به عبارت دیگر اگر تأثیر توسعه روستا در افزایش نسبی تعداد جوانان بسیجی در روستاهای توسعه یافته را نسبت به روستاهای توسعه نیافته مورد سؤال قرار دهیم، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که جواب آن مثبت است. یعنی، هر چه روستا توسعه یافته‌تر می‌شود تعداد جوانان بسیجی آن، بیشتر می‌شود.

در تحلیل این رابطه می‌توان چنین بیان کرد که احتمالاً جوانان روستایی در روستاهای توسعه یافته در سالهای بعد از انقلاب اسلامی شاهد خدمات مختلف دولت جمهوری اسلامی ایران در روستاهای خودشان مثل طرحهای آبرسانی، برق رسانی، جاده سازی و غیره بوده‌اند و لذا جهت مشارکت در این امور و پاسخ به این خدمات، علاقه‌مندی بیشتری برای شرکت در بسیج و حضور در جبهه عملاً نشان داده‌اند. ولی در روستاهای توسعه نیافته، این خدمات کمتر بوده است و جوانان کمتری نیز به بسیج جذب شده‌اند. البته در این زمینه، نیاز به تحقیق دیگری است که مستقیماً نگرش جوانان بسیجی را در روستاهای توسعه نیافته و توسعه یافته مورد مطالعه قرار دهد.

در مورد فرضیه‌هایی که پذیرفته شده است می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- بین میزان حضور نهضت سواد آموزی و آموزش و پرورش در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

پذیرفته شدن این فرضیه، نشان می‌دهد که سواد آموزی به عنوان زمینه ساز مبانی فرهنگی

توسعه روستایی مورد نظر این تحقیق، در طول زمان، این زمینه را در روستاهای مورد مطالعه ایجاد کرده است و هر جا میزان سواد روستاییان، اعم از سواد کلاسیک، دبستان، راهنمایی و دبیرستان در بین جوانان و بزرگسالان، و در بین کشاورزان بالاتر رفته است، زمینه‌های بیشتری برای تغییر ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا از جامعه سنتی به جامعه جدید فراهم آمده است و میزان توسعه یافتگی روستا هم بیشتر شده است.

۲ - بین میزان اجرای برنامه اصلاحات ارضی در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

پذیرفته شدن این فرضیه نشان می‌دهد که اصلاحات ارضی به عنوان زمینه‌ساز مبانی حقوقی و اقتصادی توسعه روستایی مورد نظر این تحقیق، این زمینه‌ها را در روستاهای مورد مطالعه ایجاد کرده است و هر جا میزان اجرای اصلاحات ارضی اعم از میزان زمینهای مشمول اصلاحات ارضی و میزان خانوارهایی که از این طریق مالک زمین شده‌اند، بیشتر بوده است، زمینه برای تغییر ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا از جامعه سنتی به جامعه جدید، فراهم آمده است و میزان توسعه یافتگی روستا هم، بیشتر شده است.

۳ - بین میزان حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در روستا و توسعه روستا، رابطه مثبت وجود دارد.

پذیرفته شدن این فرضیه نشان می‌دهد که حضور صدا و سیما در روستاها به عنوان زمینه‌ساز مبانی اجتماعی و ارتباطی توسعه روستایی مورد نظر این تحقیق، با اجرای برنامه‌های روشنگر روستا، اعم از برنامه‌هایی که روستاییان را در مورد امکانات و ابزارهای جدید کشاورزی و زندگی جدید، آگاهی و آموزش داده و یا برنامه‌هایی که موجب انتقال هنجارهای جدید به روستا شده است زمینه را برای تغییر ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستا از جامعه سنتی به جامعه جدید فراهم آورده و موجب توسعه روستایی شده است. لذا در روستاهایی که میزان حضور وسایل ارتباطی - صدا و سیما - بیشتر بوده و امواج صدا و سیمای جمهوری اسلامی، بیشتر دریافت می‌شده است، توسعه روستایی نیز بیشتر انجام شده است.

در اینجا، جدول مقایسه میزان حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در

روستاهای مورد مطالعه را با ادغام برخی داده‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

– مقایسه دو جامعه روستایی مورد مطالعه بر حسب میزان حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

جمع	میزان حضور صدا و سیمای در حضور ضعیف، حضور خیلی خوب		روستاهای مورد مطالعه	
	خوب	متوسط و خوب	تعداد	جامعه اول (توسعه نیافته)
۲۳	۸	۱۵	تعداد	جامعه اول
۱۰۰	۳۵	۶۵	%	(توسعه نیافته)
۲۳	۲۰	۳	تعداد	جامعه دوم
۱۰۰	۸۷	۱۳	%	(توسعه یافته)

$$\chi^2 = ۱۳/۱۴, df=۱, p < ۰/۰۱$$

«کای اسکویر» محاسبه شده: برابر ۱۳/۱۴ است که از کای اسکویر جدول با درجه آزادی یک، در سطح یک درصد خطا (۶/۶۳) به مراتب بیشتر است و لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین دو جامعه روستایی مورد مطالعه، از نظر میزان حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تفاوت معنی دار وجود دارد و فرضیه مربوط به تأثیر حضور صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در توسعه روستا با ۹۹ درصد اطمینان پذیرفته می‌شود.

با ادغام سه فرضیه پذیرفته شده در این تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت:

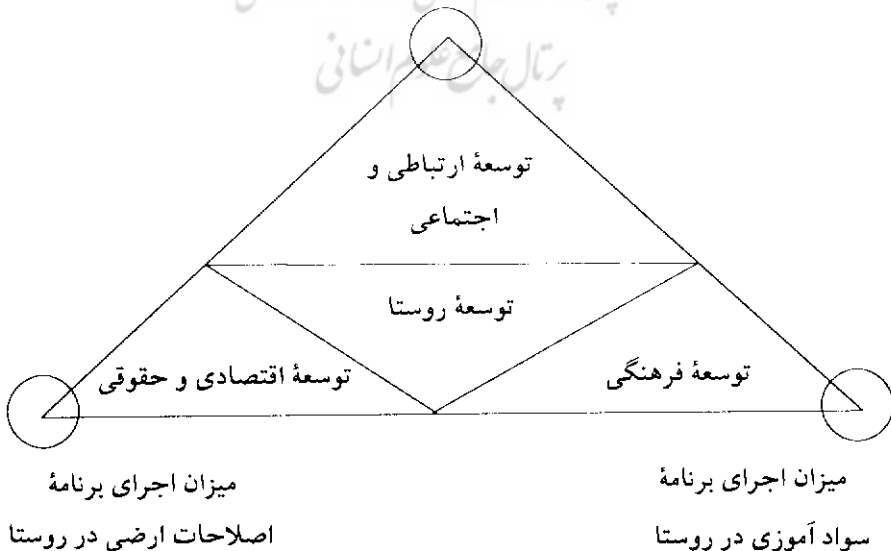
توسعه روستاها در جامعه مورد مطالعه با میزان اجرای برنامه‌های سواد آموزی و خدمات آموزش و پرورش در روستاها و همچنین میزان اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی در روستاها و میزان استفاده روستاییان از برنامه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران رابطه مثبت داشته است.

این سه عامل موجب افزایش زمینه‌های توسعه روستایی شده است. یعنی وقتی در یک

روستا یا یک منطقه روستایی، زمینه فرهنگی از طریق افزایش میزان سواد، و زمینه حقوقی و اقتصادی از طریق تحویل زمین کشاورزی، و زمینه اجتماعی و ارتباطی از طریق برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای روستاییان فراهم شد، سایر برنامه‌های توسعه روستا را خود روستاییان انجام می‌دهند. خودشان تعاونی می‌سازند، چاه آب می‌زنند، در آبرسانی، برق رسانی و جاده سازی و غیره مشارکت می‌کنند و به حفظ روستا می‌پردازند و در خدمات عمومی کشوری نیز احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و سهم بیشتری را در انجام مسئولیت‌های اجتماعی به عهده می‌گیرند که نشانه آن اعزام به نسبت بیشتر جوان بسیجی به جبهه‌های دفاع مقدس بوده است که روستاهای توسعه یافته سهم بیشتری را به عنوان یک مسئولیت اجتماعی در برابر کل جامعه به عهده گرفته بودند.

نتایج این تحقیق را می‌توان به صورت نمودار زیر نشان داد:

میزان حضور صدا و سیما در روستا



نمودار فوق، اهمیت زمین‌های فرهنگی را در توسعه روستاها نشان می‌دهد.

توسعه فیزیکی روستا بدون زمینه‌های فرهنگی، به عنوان اولین مرحله توسعه اگر هم به صورت عینی و یا وارد کردن ابزار و آلات فنی به روستا انجام شود، در صورتی می‌تواند پایدار بماند و مراحل دیگر فرایند توسعه را طی کند که زمینه‌های فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی و حقوقی آن در جامعه روستایی فراهم شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در هر برنامه توسعه روستایی و یا در هر پیشنهادی برای توسعه روستا، وقتی می‌توان امید موفقیت داشت که در بر دارنده برنامه‌ها و یا پیشنهادات مناسبی برای توسعه فرهنگی و ارتباطی، حقوقی و اقتصادی روستا باشد.

ادغام این ویژگیها با نتایج حاصل در مصاحبه‌های موردی با شوراهای روستایی و مردم روستاها نشان می‌دهد که در روستاهای مورد مطالعه، افزایش میزان این سه ویژگی «فرهنگی، ارتباطی و حقوقی - اقتصادی» در حقیقت موجب افزایش امنیت اقتصادی - اجتماعی در روستا می‌شود و روستاییان در پناه احساس امنیت حاصل از این ویژگیها با اطمینان خاطر، تغییرات جدید در جهت توسعه را پذیرا می‌شوند و اقدام به «سرمایه‌گذاری» می‌کنند.

مصاحبه‌های اکتشافی که با اهالی روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته توسط محقق انجام شد، نشان داد که اهالی روستاهای توسعه یافته در مورد سرمایه‌گذاری در روستایشان احساس امنیت می‌کنند و لذا خودشان برای کارهای توسعه‌ای، راهها را جست و جو می‌کنند، افکار جدید را می‌پذیرند و پیشنهادات مناسب را تجربه می‌کنند ولی در روستاهای توسعه نیافته، احساس امنیت برای سرمایه‌گذاری در روستا، کمتر است. نمونه آن تفاوت تعداد چاههای آب کشاورزی است که در دو منطقه روستایی حفر شده است (در روستاهای توسعه نیافته ۴ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق و در روستاهای توسعه یافته، ۱۸۲ حلقه) و این در حالی است که چاههای آب عمیق و نیمه عمیق در روستاهای توسعه یافته را که عمدتاً با کمک مردم روستا حفر و ایجاد شده است، خطرات کمتری نسبت به چاههای حفر شده در روستاهای

توسعه نیافته تهدید می‌کند!

اگر بپذیریم که افزایش سواد در بین روستاییان، موجب افزایش سطح آگاهی آنها می‌شود و زمینه‌های توسعه فرهنگی را ایجاد می‌کند، افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز موجب افزایش آگاهی می‌شود و احساس تنهایی را کاهش می‌دهد و موجب افزایش امنیت خاطر می‌شود و در نتیجه به توسعه ارتباطی درون جامعه و برون جامعه می‌انجامد. افزایش مالکیت‌های خانوار روستایی بر ابزار تولید خود، مثل زمین کشاورزی و حمایت قانونی دولت از حقوق زارع، موجب احساس امنیت بیشتر روستایی و موجب توسعه حقوقی و اقتصادی او می‌شود آنگاه می‌توانیم تحلیل دیگری از دستاوردهای این تحقیق را ارایه نماییم و آن اینکه در مجموع، «توسعه امنیت اجتماعی - اقتصادی» در روستا موجب توسعه روستا می‌شود.

ج: پیشنهادها

۱- پیشنهادهای پژوهشی:

۱-۱ - نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در روستاهای توسعه یافته نسبت به روستاهای توسعه نیافته، تعداد بیشتری از جوانان روستایی در فعالیتهای بسیجی شرکت کرده و به جبهه اعزام شده‌اند، ولی تعدادی از این جوانان بعد از بازگشت از جبهه، روستای محل اقامت خود را ترک و به شهرها مهاجرت کرده‌اند. این ویژگی در روستاهای توسعه یافته بیشتر از روستاهای توسعه نیافته مشاهده شده است.

با وجود اینکه در این تحقیق روشن شد که بین میزان توسعه یافتگی روستا و نسبت جوانان بسیجی در روستا، رابطه مستقیم وجود دارد، ولی سؤالات دیگری مطرح شده است که با یک تحقیق تکمیلی، بعد از یک فاصله پنجساله «۱۳۷۵ - ۱۳۷۱» می‌توان به این سؤالات جواب داد:

الف: تأثیر حضور جوانان بسیجی در روستا، در طول پنجسال گذشته در میزان توسعه روستا، چگونه بوده است؟

ب: ادامه روند مهاجرت جوانان بسیجی از روستا به شهرها در مدت پنجسال گذشته چگونه بوده است؟

ج: در روستاهایی که روشهای تولید و کیفیت زندگی در طول پنجسال گذشته به روشهای مدرن (جدید) شهری نزدیک شده است آیا روند مهاجرت جوانان بسیجی به شهرها به همان نسبت کاهش یافته است یا خیر؟

د: انگیزه‌های شرکت جوانان روستایی در فعالیتهای بسیج و شرکت آنها در جبهه چه بوده است؟

۲-۱ - با وجود اینکه رابطه بین میزان حضور نهضت سوادآموزی و آموزش و پرورش در روستا، با توسعه روستا در این تحقیق پذیرفته شده است ولی پیشنهاد می‌شود با تفکیک این دو خدمت فرهنگی از یکدیگر، مشخص شود که آیا سوادآموزی بزرگسالان بیشتر در توسعه روستا تأثیر دارد یا سوادآموزی کودکان و نوجوانان در دبستان و راهنمایی و دبیرستان؟

۳-۱ - به علت اینکه در این تحقیق امکان بررسی دقیق و همه جانبه میزان تأثیر خدمات جهاد سازندگی در روستاهای مورد مطالعه در توسعه روستا میسر نشد و فرضیه رابطه میزان حضور جهادسازندگی در روستا و توسعه روستا رد شد، پیشنهاد می‌شود یک تحقیق با تأکید بر تأثیر خدمات اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و آموزشی جهاد سازندگی در توسعه روستا در روستاهای مورد مطالعه این تحقیق با یک فاصله زمانی پنجساله «۱۳۷۵ - ۱۳۷۱» انجام شود و در آن تحقیق، ملاکهای متعدد خدمات جهاد سازندگی مورد بررسی قرار گیرد. از جمله این ملاکها موارد زیر است:

الف: میزان تأثیر جهاد سازندگی در جلب مشارکت روستاییان برای شرکت در ایجاد برنامه‌های تولیدی و رفاهی در روستا.

ب: میزان تأثیر جهاد سازندگی در ایجاد زمینه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاها مثل تأمین آب کشاورزی، ایجاد صنایع تبدیلی، یکپارچه کردن اراضی کشاورزی، آموزش فنی روستاییان و مشابه آن در روستاهای مورد مطالعه.

ج: میزان تأثیر جهاد سازندگی در افزایش امنیت اجتماعی در روستاها جهت جلب مشارکت روستاییان برای سرمایه‌گذاری در روستاها.

۴-۱ - با توجه به اینکه در این تحقیق در مورد تأثیر تعاونیها در توسعه روستاها، فقط

شرکتهای تعاونی روستایی مورد بررسی قرار گرفته است به علت حضور تقریباً برابر این شرکتهای روستاهای مورد مطالعه، فرضیهٔ مربوط به تأثیر تعاونیهای روستایی در توسعهٔ روستاها رد شده است لذا پیشنهاد می‌شود در مورد تأثیر مشارکت روستاییان در تعاونیهای مختلف در سطح روستا در توسعهٔ روستایی، تحقیق مستقلی انجام شود. از جملهٔ این تعاونیها می‌توان تعاونیهای تولیدی کشاورزی، تعاونیهای تولیدات دامی و لبنی، تعاونیهای فرش بافان و سایر صنایع دستی، تعاونیهای مربوط به صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی را نام برد. البته وجود برخی از این تعاونیها در سطح روستا، خود می‌تواند نشانه‌هایی از توسعهٔ روستا باشد چون در مراحل بعدی فرایند توسعهٔ روستایی این تعاونیها می‌توانند به عنوان عامل توسعه مطرح شوند.

۵- ۱- در مورد تأثیر حضور کارشناسان کشاورزی در توسعهٔ روستاها که در این تحقیق فرضیهٔ مربوط به آن رد شد، پیشنهاد می‌شود با توجه به تغییراتی که در روشهای کشاورزی و نوع تولیدات کشاورزی در روستاها انجام می‌شود، تحقیق مستقلی انجام شود و مواردی که در اثر حضور کارشناسان و خدمات کشاورزی در سطح روستاها، تغییر یافته است مورد آزمون قرار گیرد.

۶- ۱- با توجه به احتمال تأثیر ترویج کشاورزی در توسعهٔ روستایی، پیشنهاد می‌شود با اجرای یک پژوهش مقایسه‌ای، این موضوع نیز مورد آزمون قرار گیرد. بدیهی است نتیجهٔ آن می‌تواند در به کارگیری روشهای ترویجی در توسعهٔ روستایی مفید باشد.

۷- ۱- پیشنهاد می‌شود در مورد رابطهٔ معکوس بین میزان پراکندگی زمینهای کشاورزی در واحدهای کشت خانگی و میزان توسعه یافتگی روستا، تحقیقی مقایسه‌ای انجام شود.

۲- پیشنهادهای اجرایی:

۱- ۲- سوادآموزی. به منظور ایجاد زمینه‌های توسعه در روستاهای توسعه نیافته و برای پایداری توسعهٔ روستایی در روستاهای توسعه یافته، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های سوادآموزی جهت اقشار مختلف جامعهٔ روستایی، گسترش یابد. حضور نهضت سوادآموزی و ایجاد دبستان در روستاها به عنوان مقدمات توسعهٔ

روستایی، از ضرورت‌های فراهم شدن زمینه‌های توسعه روستایی است. ایجاد مدارس راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه و دخترانه، حتی ایجاد برخی رشته‌های دانشگاهی در سطح روستاها چنانچه با مشارکت مردم روستاها انجام شود، می‌تواند موجب توسعه روستاها شود.

۲ - ۲ - افزایش امنیت اجتماعی در روستاها از زمینه‌های مناسب برای حفظ روستا و توسعه روستایی است.

در گذشته، نوعی امنیت اجتماعی در روستاها به خاطر دارا بودن ساختار سنتی با حمایت خانواده و طایفه فرد روستایی فراهم بود که اکنون در حال از میان رفتن است و لازم است از طریق توسعه تأمین اجتماعی در روستاها و ایجاد برخی نهادهای جدید در سطح روستاها، مثل تعاونیهای تولیدی و بیمه‌های مختلف تولیدات و حوادث، به افزایش امنیت اجتماعی در سطح روستاها کمک شود. حضور فعال نمایندگان دولت، بویژه مامورین وزارت کشور و وزارت دادگستری در سطح روستاها به عنوان مجریان قانون و حمایت از جان و مال روستاییان در جریان بروز اختلافات طایفه‌ای و فشار قدرتمندان محلی، می‌تواند به ایجاد زمینه‌های توسعه روستایی کمک کند.

۳ - ۲ - با از بین رفتن نظام ارباب - رعیتی و خارج شدن بزرگ مالکان از روستاها حدود سی سال است که مدیریت روستاها در ایران دچار خلل شده و اقدامات مختلف در جهت جایگزینی آن، جواب مناسبی به نیازهای مدیریت روستایی نداده است لذا پیشنهاد می‌شود با ایجاد «شوراهای محلی روستایی» که با مشارکت عموم روستاییان در انتخاب اعضای آن تشکیل می‌شود به نیازهای مدیریت روستایی توجه شود. همچنین با آموزش مدیران محلی و به کارگیری ابزارهای جدید مدیریت، کلیه امور روستا با اطلاع و مشارکت این مدیران انجام شود. بدیهی است ایجاد شوراهای روستایی و حمایت قانونی از آنها، می‌تواند عاملی در جهت رشد همدلی در بین روستاییان و گسترش امنیت اجتماعی در روستا باشد و زمینه‌های توسعه روستایی را فراهم سازد.

۴ - ۲ - نیروهای مقیم روستاها، نیاز به سازماندهی مناسب برای توسعه روستایی دارند. سازماندهی بسیج جوانان روستایی، نمونه‌ای موفق در این امر است که با فرهنگ روستایی سازگاری مناسبی دارد. گسترش این‌گونه سازماندهیها برای نیروهای مختلف روستاها می‌تواند

زمینه‌های توسعه روستایی را فراهم آورد و اجرای برنامه‌های سازندگی را به شکلی سازمان یافته و با مشارکت عمومی روستائیان، تسهیل سازد.

۵ - ۲ - مشاهدات ما در این تحقیق نشان می‌دهد که زندگی فعال در روستا، همراه با مشارکت مردم روستایی در امور مختلف روستا میسر است.

در روستاهایی که مشارکت مردم در امور عمومی روستا وجود ندارد، نشانه‌های میرایی در روستا به چشم می‌خورد. مشارکتهای سنتی مثل بنه‌ها و واره‌ها و غیره به ساخت سنتی روستا وابسته بوده است و با تغییر ساخت سنتی، این نهادها هم در حال از بین رفتن هستند و چون بازگشت به ساخت سنتی در روستاها میسر نیست لذا تجدید حیات بنه‌ها و واره‌ها و غیره به صورت سنتی آن نیز امری غیر ممکن است ولی ادامه حیات روستاها نیازمند به وجود آمدن نهادهای جدید برای مشارکت مردم روستاها در امور مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. به همان میزان که مردم روستاها، مشارکت خود را در این گونه امور روستایی باور کنند می‌توان به توسعه روستاها اطمینان داشت.

۶ - ۲ - اقتصاد کشاورزی به عنوان محور توسعه روستاهای ایران، امری پذیرفته شده است ولی با کشاورزی معیشتی - خانگی و زمینهای کشاورزی کوچک که با گذشت هر نسل کوچکتر می‌شوند، نمی‌توان اقتصاد کشاورزی را توسعه داد و به توسعه روستاها پرداخت. این ویژگی در جامعه مورد مطالعه نیز مشاهده شد لذا هرگونه اقدامی که بتواند زمینه‌های خود جوش برای یکپارچه کردن اراضی کشاورزی و انتقال به «کشت مختلط» و در نهایت «کشت تخصصی»^{۳۰} را در روستاها فراهم سازد، می‌تواند عاملی در جهت توسعه روستاها باشد، چون توسعه روستا «باید به طور اخص از بخش کشاورزی» شروع شود (تودارو،

«به عقیده تودارو» در تکمیل تولید کشاورزی سه مرحله اساسی وجود دارد. نخست و ابتدایی‌ترین نوع، کشت معیشتی محض و دارای بهره‌وری پایین است. دومین مرحله را می‌توان کشاورزی متنوع و یا مختلط نامید. در این مرحله، قسمتی از محصول برای مصرف شخصی و قسمت دیگر برای فروش به بخش تجاری کاشته می‌شود. بالاخره سومین مرحله، نمایانگر کشت نوین است. در این مرحله، کشاورزی کاملاً تخصصی و دارای بهره‌وری بالاست و تولید تماماً متناسب با سلیقه بازار تجاری است» (تودارو،

۱۳۶۴.

۷ - ۲ - به کارگیری روشهای ترویج کشاورزی، می تواند عاملی در جهت توسعه روستا باشد مشروط به اینکه ترویج کشاورزی از واقعیتهای روستا شروع شود و کشاورزی معیشتی روستا را در یک فرایند ۲۰ ساله در اولین مرحله با گسترش کشت محصولاتی که قابل تبدیل به پول هستند در فصولی از سال که زمینهای کشاورزی مورد استفاده نیستند به مرحله دوم یعنی کشت مختلط بکشاند. در این مرحله است که اقتصاد روستا برای ایجاد زمینه های کشت تخصصی آمادگی می یابد و آنگاه می توان گفت: کشاورزی روستا، توسعه یافته است.

۸ - ۲ - از جمله مشکلات عمده ای که در جریان توسعه بسیاری از روستاها، خلل ایجاد می کند اختلاف روستاییان در مورد مالکیت اراضی کشاورزی و آب کشاورزی است که امکان سرمایه گذاری بر روی زمینهای کشاورزی را محدود می کند. کاهش مشکلات حقوقی و قانونی زمینهای کشاورزی و آب، در این گونه از روستاها، می تواند عاملی برای ایجاد زمینه های توسعه روستاها باشد.

تنوع مشکل مالکیت اراضی و آب کشاورزی در روستاها به حدی است که به نظر می رسد در هر منطقه روستایی باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد و طرحی ویژه هر منطقه روستایی تهیه و با حمایت مراجع محلی و قانونی اجرا شود. آنگاه می توان در آن منطقه روستایی شاهد به وجود آمدن زمینه های مناسب برای توسعه روستایی بود.

فهرست منابع

ازکیا، مصطفی. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.

تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی جهان سوم. ترجمه فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴.

عبدالهی، محمد. اولین کارگاه روش تحقیق. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱.
عظیمی، حسین. جامعه‌شناسی توسعه (جزوه درسی). تهران: دوره عالی تحقیقات "دکتری"
دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۰.

گلسرخی، حسینعلی. تاریخچه عمران روستایی در ایران. تهران: انتشارات مرکز توسعه تحقیقات تعاون روستایی، ۱۳۵۲.

مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۶۵ کشور. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶.
مک کله لند، دیوید. «انگیزش به نوسازی». ترجمه رحمت ا... مقدمه مراغه‌ای و همکاران. در
کتاب نوسازی جامعه. تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکې
پرتال جامع علومو انساني